

رابطه مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین

علی جعفری^۱، بهنام حسن‌زاده^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین است. روش پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل می‌باشند. برای نمونه‌گیری از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. تعداد نمونه آماری برابر ۳۸۴ نفر برآورد گردید. برای تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Spss و برای تحلیل فرضیات از آزمون‌های پی‌رسون، رگرسیون و t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان داد که وضعیت مؤلفه‌های شکوفایی شهر (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) کمتر از حد متوسط است. همچنین بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که متغیر ارزش‌ها و باورها با بیشترین میزان تأثیر با بتای (۰/۷۰)، الگوهای انگیزشی (۰/۳۲)، سبک زندگی (۰/۲۴) و تحمل ابهام با کمترین میزان تأثیر با بتای (۰/۱۶) متغیر شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل را پیش‌بینی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های فرهنگی، شکوفایی شهر، کیفیت زندگی، مناطق حاشیه‌نشین.

۱- استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
alijafari@oerp.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
mhdysny1366@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۸/۶

تاریخ وصول ۱۴۰۲/۴/۲۱

روند شتابان شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه با تأثیر صرف بر روی جنبه‌های عینی توسعه (رشد) به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نه تنها دستیابی به توسعه را مقدور نساخت بلکه بر نابسامانی‌های کیفیت عینی و ذهنی شهرهای جهان سوم افزود. بروز انواع نابرابری‌ها، فقر گسترده، تخریب محیط زیست، سوء تغذیه، توسعه ناموزون شهر و ... تنها بخشی از آثار سوء این اقدامات بود (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱). بر مبنای برآورد سازمان ملل متحد (۲۰۱۵) تا سال ۲۰۵۰، ۶۶ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد (علوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸). به‌عبارت‌دیگر تجمع انبوه عظیمی از ساکنان منجر به آشفتگی و بی‌نظمی شده و شرایطی را به وجود آورده که نه تنها تعادل شهرها را به سقوط کشانده، بلکه دستیابی به پایداری را با روش‌های کنونی اداره و توسعه شهری ناممکن ساخته است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷: ۵).

این رشد سریع شهری در بیشتر کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه جمعیت شهری بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها، توانها و امکانات اجتماعی افزایش یافته، سبب مشکلات جدی مانند افزایش تراکم مسکن، تراکم بیش‌ازحد جمعیت، ترافیک بالا، تخریب محیط زیست، آلودگی و ... می‌شود که همه این موارد چالش‌های جدی در برابر توسعه پایدار شهرها هستند؛ بنابراین پیامد چنین رشدی به پیدایش اپیدمی گسترده فقر شهری منجر گردیده است و مدیریت شهری به علت فقدان منابع و زمان لازم برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده شهروندان، دچار معضلی گردیده که رهایی از آن را تنها در چارچوب راه‌حل‌های نوین می‌توان جستجو کرد. طرح مفاهیم نوینی چون توانمندسازی، مشارکت، حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار، شهر رقابت‌پذیر، شهر هوشمند، شهر خلاق، برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی محله محور و ... نشان‌دهنده موجی نوین در تفکر برنامه‌ریزی شهری است (سیف‌الدینی ۱۳۹۳: ۵۸). در همین راستا، یکی از مفاهیم جدیدی که مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲ مطرح کرد، شاخص شکوفایی شهری (CPI) بود که ترکیبی از رویکردهای یادشده برای رسیدن به توسعه پایدار شهری داشت. این مفهوم بررسی می‌کند که شهرها چگونه می‌توانند تولید داشته باشند و از چه طریق مزایای این تولید می‌تواند به شیوه‌ای عادلانه بین

شهروندانش تقسیم شود. این تفکر، متضمن رشد اقتصادی، حاکم بودن روابط اجتماعی، پایداری محیطی و کیفیت زندگی بهتر است (علوی، ۱۳۹۹: ۸۰).

بنابراین ابتکار عمل شکوفایی شهری مراحل بالاتر از توسعه پایدار را دنبال می‌کند زیرا به معرفی شهری می‌پردازد که در کنار تولید و توجه به فناوری، به شاخص‌هایی چون شادی، سرزندگی و پویایی هم توجه دارد که امروزه مدیریت شهری ما از آن غافل شده است. شاخص شکوفایی شهری نه تنها شاخص‌ها و مقیاس‌ها را تعیین می‌کند بلکه امکان تشخیص فرصت‌ها و پتانسیل مداخله شهرها در جهت رفاه و رونق بیشتر آنها را برای مسئولین و افراد ذینفع محلی فراهم می‌کند (دانش‌پور و همکاران ۱۳۹۷: ۱۸).

حدود یک سوم جمعیت جهان در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند (دوبویک و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۲۳۵). سطح زندگی ساکنان این مناطق، پایین‌تر از خط فقر یا حداقل هم‌سطح آن است. مطالعات پژوهشگران به این موضوع اشاره دارند که اسکان کم، درآمد‌ها، ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری از موضوعات و مسایل مهم توسعه شهری کشور است. حاشیه‌نشینی، پدیده‌ای است که همراه با سایر پدیده‌های تأثیرگذار، بر مشکلات شهری افزوده است و پیش‌بینی می‌شود در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه‌نشینان به دو میلیارد نفر برسد (نقدی و زارع، ۱۳۸۹). اسکان غیررسمی، پدیده‌ای گذرا است و دارای ابعاد محدودی نیست و نشان‌دهنده ناکارآمدی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های متداول شهری است که اقدامات و رهیافت‌های نوینی را می‌طلبد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین مشکلات مناطق حاشیه، کیفیت پایین زندگی شهری در این محله‌هاست. هم‌زمان با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، حاشیه شهرها با مشکلات بسیاری به‌ویژه در زمینه مسایل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه شدند که به‌طورکلی منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری در این مناطق شده است (خلیفه، ۲۰۱۵). از دهه ۱۹۸۰ به بعد و با ظهور تحولاتی در عرصه علم اقتصاد، فرهنگ در روند تحولات اجتماعی به عنصری قالب و محوری درآمده است. شهرها با توجه به آنکه

¹ dubovyk & et al

نیروی نهفته‌ای را در خود با نام فرهنگ می‌پرورانند، می‌توانند به‌عنوان گنجینه نهفته شهر، عامل حیات‌بخش را برای شهر رقم‌زده و نیروی محرکه لازم جهت رونق و توسعه شهرها را از این طریق میسر سازند (پور ذکایی و همکاران، ۲۰۲۳ و لی و همکاران ۲۰۲۲)؛ بنابراین فرهنگ و اقتصاد فرهنگ می‌تواند پتانسیل درونی شهر را شکوفا نموده و توسعه شهرها را سبب شود.

سنجش تأثیر فرهنگ بر زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی مشکل است؛ اما بدون شک نفوذ عوامل فرهنگی بر رفتار انسان قطعی است. اولویت‌های فرهنگی ضرورتاً اگرچه به‌خودی‌خود تعیین‌کننده نیستند؛ اما یک مؤلفه از نظام پیچیده عوامل علی هستند که می‌تواند عامل برانگیزاننده مهمی در بلندمدت باشند. بدین معنا که ارزش‌های مادی یا ارزش‌های معنوی هر کدام تأثیرگذار بر شکل و محتوای جامعه خواهند بود. فرهنگ بنایی است که مبین تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و مقاصدی است که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می‌کند. از طریق فرهنگ است که اعضای جامعه می‌آموزند که چگونه ببینند و چگونه عمل نمایند. پژوهشگران معتقدند که اعتلای هر جامعه به فرهنگ آن بستگی دارد، به‌طوری‌که حتی ما با یاری فرهنگ می‌توانیم مسیر حرکت حیات آن جامعه را بررسی و پیش‌بینی کنیم. فرهنگ حاوی آفرینش‌ها، اندیشه‌ها و جهان‌بینی مردم یک سرزمین است. اجزائی که کنار هم محتوای درون و برون اعضا را می‌سازد. شکل نهادها، سازمان‌ها و تشکیلات اجتماعی همه بازتاب فرهنگ ملی و سرزمینی هستند چون فرهنگ سرزمینی ملهم از ویژگی‌های جغرافیایی، دین، خواستها و آرزوها، احساسات و ... مردم آن سرزمین است. لذا هر قدر ملتی از گذشته تاریخی و فرهنگی خویش آگاهی بیشتر و عمیق‌تری داشته باشند، بدون شک و با قاطعیت و ایمان راسخ برای حفظ موجودیت و هویت و اعتبار خود در برخورد با فرهنگ‌های ملل مختلف می‌کوشد، نارسایی‌ها و مشکلات کمتری دامن‌گیر آن جامعه می‌شود، زیرا هویت فرهنگی موجبات توانایی و زنده بودن ملت را فراهم می‌آورد (کاظمی، ۱۳۹۱).

با معرفی اردبیل به‌عنوان مرکز استان، بی‌آنکه زیرساخت‌های لازم و مدیریت سیستم شهر و روستا فراهم شود، هجوم مهاجران به این شهر آغاز شد و از آنجا که شهر امکانات لازم را برای تازه‌واردان جویای درآمد نداشت، پدیده ناهنجاری کالبدی در شهر

که با نام حاشیه‌نشینی از آن یاد می‌شود، پدیدار شد و با توجه به روند رو به رشد این پدیده، انواع آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه مواد مخدر در این مناطق گسترش یافته است. آمارهای وزارت راه و شهرسازی حاکی از آن است که در حدود ۹ میلیون نفر از جمعیت ۸۱ میلیون نفری کشور در حاشیه ۹۱ شهر به وسعت ۵۳ هزار هکتار زندگی می‌کنند و بنابر آمارهای غیررسمی جمعیت حاشیه‌نشینان کشور با احتساب اتباع بیگانه به ۱۳ میلیون نفر می‌رسد. استان اردبیل و مرکز این استان یعنی شهر اردبیل نیز همانند سایر مراکز استان‌ها در تیررس گسترش حاشیه‌نشینی قرار گرفته به طوری که در این شهر نیز به سبب مهاجرت از روستاهای همجوار و شهرستان‌های دیگر به مرکز استان که اغلب در جستجوی شغل و محل درآمد مناسب بوده‌اند شاهد ظهور مناطق حاشیه‌نشینی و گسترش آن بوده‌ایم. حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک آسیب اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات، متأثر از عوامل بسیاری شکل می‌گیرد و گاهی تشخیص بسیاری از این عوامل بسیار دشوار است و البته در این خصوص اغلب جامعه‌شناسان بر این باورند که مهاجرت یکی از دلایل اصلی حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه است و معتقدند شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه در معرض افزایش مناطق حاشیه‌نشین هستند و اردبیل نیز به‌عنوان مرکز استان از این قاعده مستثنا نیست و البته با این تفاوت که کلان‌شهر اردبیل شهری صنعتی نیست و بلکه بیشتر به‌عنوان شهر مصرفی - خدماتی شناخته می‌شود و همین امر سبب عدم ایجاد فرصت‌های مناسب شغلی برای حاشیه‌نشین‌ها شده است. به گفته معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان اردبیل از کل جمعیت یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری استان اردبیل بیش از ۱۴۱ هزار نفر در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ استان اردبیل سکونت دارند به طوری که تاکنون ۱۵ هزار و ۲۹۵ نفر در ۲۴ محله در کلان‌شهر اردبیل به‌عنوان اهالی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناسایی شده‌اند. کلان‌شهر اردبیل با جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر که در مرکز استان اردبیل واقع شده و به دلیل عدم توسعه‌یافتگی و بیکاری در شهرستان‌های استان بار زیادی بر دوش مرکز استان افتاده و به‌همین دلیل شاهد مهاجرت افراد بی‌شماری از روستاها و سایر شهرستان‌ها به شهر اردبیل بوده‌ایم. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی و سنجش شکوفایی شهری در شهر اردبیل بر اساس مؤلفه فرهنگی و با

تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین است و برای تحقق این هدف، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤال است که چه رابطه‌ای بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد؟

تعاریف مفهومی و عملیاتی:

شکوفایی شهر:

تعریف مفهومی؛ شکوفایی مفهومی گسترده است که در ارتباط با توسعه متعادل و هماهنگ در محیطی همراه با عدالت و انصاف مطرح می‌شود این مفهوم دربرگیرنده تمامی جنبه‌های ملموس و ناملموس توسعه است و به استحکام ارتباطات میان افراد و جامعه با محیط پیرامون آنها، یعنی خود شهر می‌پردازد (بوچانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).
تعریف عملیاتی؛ در این پژوهش منظور از شکوفایی شهر نمره‌ای است، که فرد در پرسشنامه صفایی پور و همکاران (۱۳۹۶) کسب می‌کند و دارای ۵ بعد (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) است.

مؤلفه‌های فرهنگی:

تعریف مفهومی؛ فرهنگ به صورت مجموعه‌ای از الگوهای رفتار اجتماعی، هنرها، اعتقادات، رسوم و سایر محصولات انسان و ویژگی‌های فکری یک جامعه یا ملت تعریف می‌شود (سینگ، ۲۰۰۴).
تعریف عملیاتی؛ در این پژوهش منظور از مؤلفه‌های فرهنگی نمره‌ای است، که فرد در پرسشنامه محقق ساخته کسب می‌کند و دارای ۴ بعد (ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی و تحمل ابهام) است.

مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

حجتی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان بازنمایی نقش صنایع فرهنگی در توسعه شهرهای ایران به این نتیجه رسید که از میان شاخص‌های ۳۲ گانه صنایع فرهنگی مؤثر

¹. Seng

بر توسعه شهرهای ایران، شاخص تبلیغات، با ضریب تأثیر ۴۰.۳۳ درصد، بیشترین نقش را در توسعه شهرهای ایران بر عهده دارد. در گام بعد نیز شاخص‌هایی همچون کیفیت میراث طبیعی، بسترهای تاریخی، تعداد اماکن تاریخی و ثبت‌شده میراث و همچنین تعداد و کیفیت جشن و فستیوال‌ها سالیانه به ترتیب با ضرایب اهمیت ۳.۸۸۴، ۳.۸۳۹، ۳.۸۱۶ و ۳.۷۷۰ درصد قرار گرفته است. برای محاسبه میزان تأثیر صنایع فرهنگی بر ابعاد توسعه شهری، متخصصان تعیین نمودند که هر یک از شاخص‌های صنایع فرهنگی بر کدامیک از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری، محیط زیستی، قانونی و کالبدی توسعه شهرهای ایران بیشترین تأثیر را دارد. به همین منظور وزن هر شاخص در تعداد تکرار هر بعد از توسعه شهری ضرب شده و پس از نرمال‌سازی به 100، میزان تأثیر هر شاخص بر هر بعد از توسعه شهرهای ایران مشخص شد. نتایج حاکی از این است که صنایع فرهنگی می‌تواند موجب توسعه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فناوری، سیاسی، قانونی و محیط زیستی، به ترتیب با ضرایب تأثیر ۳۹.۲۰۷، ۱۶.۹۰۱، ۱۲.۱۵، ۱۱.۰۷۶، ۹.۲۵۳، ۷.۴۹۹ و ۳.۹۱۴ درصد شده و از این طریق توسعه شهرهای ایران را محقق نماید.

رهسپار طلوعی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان توسعه مدل شکوفایی شهری در محلات تهران با تأکید بر مؤلفه کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل عاملی تعداد ۲۲ عامل اصلی شکوفایی شهری بر اساس اطلاعات محلات تهران شناسایی کردند، هر کدام از این عوامل که قرابت معنایی و عملکردی بیشتری با یکدیگر داشتند، در قالب ۶ بعد اصلی شکوفایی شهری، در مدل پیشنهادی بیان شدند. در نهایت مدل توسعه‌یافته و بومی‌سازی شده شکوفایی شهری با تأکید بر مؤلفه کیفیت زندگی ارائه شد. بحث و نتیجه‌گیری: مدل پیشنهادی می‌تواند در تحقق توسعه شهری پایدار، بهبود وضعیت کیفیت زندگی و سنجش وضعیت شکوفایی در شهرهای ایران بسیار تأثیرگذار بوده و به‌عنوان نمونه‌ای بومی‌شده و توسعه‌یافته از مدل جهانی شکوفایی شهری ارائه شود و سنجش‌ای قابل اطمینان برای بررسی، تحلیل و اولویت‌بندی اقدامات شهری باشد.

نیک‌پور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با مدل‌سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری (مورد مطالعه: نورآباد ممسنی) به این نتیجه رسیدند که تأثیرگذارترین

عوامل در شکوفایی شهری محدوده مورد مطالعه، عوامل سطح ۱ و ۲ شامل زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی، کیفیت زندگی، آموزش اجتماعی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و سلامت و ... می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل میک بر روی هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان داد این شاخص‌ها شامل چهار سطح می‌باشند. مؤلفه‌های موجود در سطح ۱ شامل زیرساخت‌های حمل‌ونقل، برابری اجتماعی، کیفیت زندگی، آموزش اجتماعی، سلامت، توازن جنسیتی، فرم شهری و زیرساخت‌های مسکن از جمله متغیرهای دوجبهی بشمار می‌روند که متغیرهایی با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا هستند. توجه ویژه به این متغیرها در زمینه برنامه‌ریزی شهری می‌تواند باعث شکوفایی و رشد شهر نورآباد ممسنی شده و افزایش میزان رضایت از زندگی ر به همراه داشته باشد. حاضری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز) به این نتیجه رسیدند که کلان‌شهر تبریز سیستمی ناپایدار است و در صفحه پراکندگی پنج دسته (عوامل تأثیرگذار، عوامل دوجبهی، عوامل تنظیمی، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل) قابل‌شناسایی هستند. در نهایت از میان ۷۸ عامل یادشده پس از بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر و بر وضعیت آینده کلان‌شهر تبریز با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، ۱۵ عامل کلیدی (نرخ بیکاری، مرگ‌ومیر مادران، میزان سواد، امید به زندگی، مسکن بادوام، ظرفیت حمل‌ونقل عمومی، اشتغال زنان، مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، ضریب جینی، نرخ فقر، مراکز فرهنگی، آلودگی هوا، خانوارهای حاشیه‌نشین، بیکاری جوانان و مدارس دولتی (که بیشترین نقش را در وضعیت آینده توسعه و شکوفایی کلان‌شهر تبریز دارند، انتخاب شدند.

احدنژاد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز) به این نتیجه رسیدند که کلان‌شهر تبریز سیستمی ناپایدار است و در صفحه پراکندگی پنج دسته (عوامل تأثیرگذار، عوامل دوجبهی، عوامل تنظیمی، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل) قابل شناسایی هستند. در نهایت از میان ۷۸ عامل یادشده پس از بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر و بر وضعیت آینده کلان‌شهر تبریز با

روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، ۱۵ عامل کلیدی (نرخ بیکاری، مرگ‌ومیر مادران، میزان سواد، امید به زندگی، مسکن بادوام، ظرفیت حمل‌ونقل عمومی، اشتغال زنان، مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، ضریب جینی، نرخ فقر، مراکز فرهنگی، آلودگی هوا، خانوارهای حاشیه‌نشین، بیکاری جوانان و مدارس دولتی) که بیشترین نقش را در وضعیت آینده توسعه و شکوفایی کلان‌شهر تبریز دارند، انتخاب شدند.

پیربابایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه به این نتیجه رسیدند که در شکل‌گیری فرم شهرها دو دسته از عوامل تأثیر بسیار زیادی دارند. دسته اول مربوط به عوامل فیزیکی (مکان) و قابل‌رؤیت مانند ویژگی‌های فرهنگی، اقلیم و جغرافیا است. دسته دوم مربوط به عوامل غیر فیزیکی و ناملموس مانند عوامل مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است. گسترش فرهنگی شهر اردبیل از گذشته تاکنون از الگویی منطقی پیروی کرده است و در دوران صفویه الگوها و اصولی همچون اصطلاحات عرفانی و صوفی‌گری، همبستگی قومی و خانوادگی، تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی، رفاه و تفریح مردم باعث شکل‌گیری محله‌های این شهر شده؛ و همچنین ابعاد فرهنگی و مکان‌های شهری از جمله بازار به‌عنوان مرکز عملکردی مقررات و آیین حسبه، بقعه شیخ صفی به‌عنوان هویت‌بخش و مرکز تقدس و مسجد جمعه مکانی برای مشروعیت بخشی به شهر در ایدئولوژی شکل‌گیری فرم شهر تأثیرگذار بوده است.

صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های شکوفایی شهری در کلان‌شهر اهواز به این نتیجه رسیدند که مؤلفه کیفیت زندگی (۰/۰۸۴۶)، بیشترین وزن و مؤلفه دربرگیرندگی و شمول اجتماعی (۰/۰۳۱۸) کمترین وزن را دارد. نتایج حاصل از مدل تاپسیس در شهر اهواز، مناطق ۲ و ۱ کاملاً برخوردار از شکوفایی، منطقه ۶ و ۳ و ۸ در رده نسبتاً برخوردار از شکوفایی، مناطق ۷ در رده برخوردار کم از شکوفایی و در نهایت منطقه ۴، در رده محروم از شکوفایی شهری قرار گرفته‌اند. بررسی ضریب همبستگی پیرسون میان پراکندگی جمعیت و سطح شکوفایی مناطق شهر نشان‌دهنده نبود رابطه مؤثر بین دو متغیر است.

فرهمنده و دامن‌باغ (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی و تعلق ملی در بین شهروندان شهر یزد به این نتیجه رسیدند که بین عرفی شدن، مصرف‌گرایی و شبکه‌های اجتماعی مجازی با تعلق ملی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه سن و ترجیحات ارزشی با تعلق ملی مستقیم و معنادار بوده است. در معادله رگرسیون، متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۹ درصد از تغییرات متغیر تعلق ملی را تبیین کنند. بیشترین اثرگذاری بر روی متغیر وابسته (تعلق ملی) به ترتیب متعلق به متغیر عرفی شدن، سن، ترجیحات ارزشی و مصرف‌گرایی بوده است.

هابیتات^۱ (۲۰۱۹) در ۵۴ شهر از جهان توسعه‌یافته بررسی‌هایی را برای مفهوم‌سازی شکوفایی و شناسایی مهم‌ترین اجزای آن انجام داد. کارشناسان از آسیا، آفریقا، کشورهای عربی و امریکای لاتین توافق کردند که یک شهر شکوفا از ادغام پنج بعد حیاتی شکل می‌گیرد: (۱) بهره‌وری؛ (۲) توسعه زیرساخت؛ (۳) کیفیت زندگی؛ (۴) برابری و مشارکت اجتماعی؛ (۵) و پایداری محیط زیست، این ابعاد می‌توانند به‌عنوان پره‌های یک چرخ در نظر گرفته شوند که تویی چرخ متشکل از مؤسسات دولتی، قوانین و شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری است که برای حفظ تعادل میان ابعاد مختلف ضروری است و مؤلفه‌های فرهنگی می‌تواند در توسعه شهری و به‌خصوص مناطق حاشیه‌نشین تأثیر مثبت داشته باشد.

وانگ^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «چارچوبی برای شاخص شکوفایی شهری» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی چارچوبی قوی و انعطاف‌پذیر برای توسعه شاخص‌های شهر شکوفا (CPI) که قادر به اتصال شاخص‌ها و هوش تحلیلی با نیازهای سیاستی برنامه‌ریزان شهری و استراتژیست‌های دولت است، فراهم می‌کند و نتیجه می‌گیرد که شاخص‌های شناسایی شده توسط هابیتات به‌ناچار با ظهور مسائل مربوط به سیاست‌های جدید و داده‌های با کیفیت بالاتر تغییر خواهند یافت.

1. Habitat

2. Wang

ایگیت جانلارو همکاران^۱ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان به‌سوی شهرهای پایدار شکوفا: رویکرد ارزیابی پایداری شهری چند درجه‌ای انجام دادند. نتایج نشان داد که این روش ارزیابی پایداری شهری چند درجه‌ای، دیدگاه روش‌شناختی مفیدی را به‌ویژه مناسب برای شاخص شکوفایی شهر سازمان ملل متحد، مخصوصاً ابعاد پایداری محیطی که در آن شهرهای پایدار محیطی احتمالاً مولدتر، رقابتی، نوآورانه و موفق هستند و به کیفیت بهتر زندگی و سلامت شهروندان کمک می‌کنند و نشان دادند که مقوله فرهنگ از بااهمیت‌ترین موارد در توسعه شهری است.

با بررسی پیشینه تحقیق و مطالعات قبلی انجام‌شده می‌توان گفت درباره شکوفایی شهری و مؤلفه‌های فرهنگی به‌صورت مجزا تحقیقات فراوانی انجام شده است؛ اما درباره رابطه بین این دو متغیر، می‌توان بیان نمود که تحقیقات خیلی اندکی در این حوزه انجام شده است که در اکثر آنها بیشتر به مؤلفه‌های کاربری خدمات شهری اشاره شده است و به شاخص‌های فرهنگی کمتر اشاره شده است. لذا تحقیق حاضر با تحقیقات پیشینه متفاوت و دارای نوآوری است.

مبانی نظری

رویکرد توسعه فرهنگی یونسکو: این رویکرد در قلمروی برنامه‌ریزی فرهنگی شهر، اساساً از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌عنوان یک رویکرد تازه مطرح شده است که بر دستیابی به یک بیان منسجم هنر و فرهنگ و نیز منابع فرهنگی برای احیاسازی شهرها تأکید دارد. منابع فرهنگی در این رویکرد تمام جنبه‌هایی که به ساختن یک فضا کمک می‌رسانند را شامل می‌شوند؛ کیفیت‌های محسوس یا نامحسوس مانند: هنرها، میراث فرهنگی، جشنواره‌های محلی، مناسک محلی، تولیدات محلی، فرهنگ جوانان، اقلیت‌ها و اجتماعات قومی، تولیدات محلی، حرفه‌ها و توانایی‌های محلی، فضاهای عمومی، معماری، تصاویر و غیره. شهرهایی که خواهان دنبال کردن این راهکار هستند، باید فرهنگ را برای استفاده از آن به‌مثابه یکی از ابعاد توسعه شهری، در مرکز

سیاست‌های توسعه خود قرار دهند. علاوه بر این، در این رویکرد این عقیده وجود دارد که تمام مکان‌های شهری می‌توانند بیشتر شوند (لندری^۱، ۲۰۰۶: ۲۷۲).

نظریه شهر خلاق: یکی از بسط‌های نظریه فلوریدا، مفهوم شهر خلاق و توسعه فرهنگی شهر بر اساس رشد خلاقیت‌ها و فرهنگ شهر است. اگر نظریه فلوریدا بر مؤلفه‌های فرهنگی بر توسعه شهر تأکید می‌کند، رویکرد شهر خلاق بر خود فضای شهر به‌مثابه هدف اصلی توسعه فرهنگی تمرکز دارد. این رویکرد بر این امر تأکید می‌کند که هر شهر باید بر اساس بهترین عناصر تاریخی، موقعیت جغرافیایی و منابع انسانی خود، سیاست‌گذاری‌های خاص خودش را تدوین و اجرا نماید. بر این اساس، مفهوم شهر خلاق به‌عنوان مفهومی تازه در بحث‌های توسعه فرهنگی شهر، مفهوم سرمایه انسانی را در کانون نظریه‌پردازی خود قرار می‌دهد. در این راستا، این مفهوم بر خلاقیت توسعه اجتماع تأکید می‌کند و فرهنگ را اصلی‌ترین شاخص برای داشتن شهری پویا، زنده و سازگار در نظر می‌گیرد که برای نسل‌های آینده نیز پابرجا و بارور است (واربانوا^۲، ۲۰۰۷: ۹).

نظریه شهر شکوفا: شکوفایی مفهومی گسترده است که در ارتباط با توسعه متعادل و هماهنگ در محیطی همراه با عدالت و انصاف مطرح می‌شود (هابیتات، ۲۰۱۶: ۲۷). این مفهوم دربرگیرنده تمامی جنبه‌های ملموس و ناملموس توسعه است و به استحکام ارتباطات میان افراد و جامعه با محیط پیرامون آنها، یعنی خود شهر می‌پردازد (بوچانی و قادری، ۱۳۹۷: ۲۲). نگرش مذکور ۵ فاکتور را به‌عنوان ابعاد اصلی شکوفایی در شهرها عنوان می‌کند. ابعاد شکوفایی شهری عبارتند از: بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، عدالت و شمول اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی (وانگ، ۲۰۱۴: ۲).

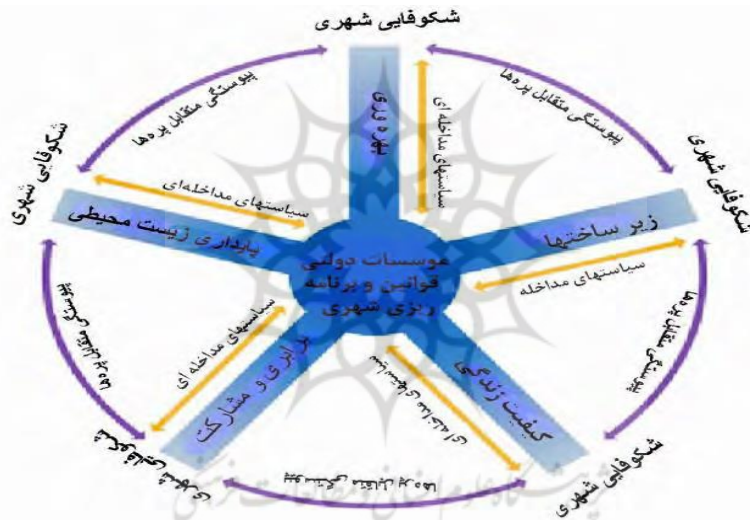
از نظر اتحادیه اسکان بشر سازمان ملل متحد، «چرخ شکوفایی» حاکی از توسعه متوازن پنج بعد است. به‌طور گرافیکی شکل ۱ نشان می‌دهد پنج بعد شکوفایی در حاشیه بیرونی از طریق «میله چرخ» به مرکز «چرخه»، مؤسسات دولتی و قوانین شهری متصل می‌شود. مرکز چرخ شکوفایی چهار نقش دارد: تأمین نیازهای بخش عمومی؛ کنترل مسیر

1. Landry

1. Varbanova

گام و شدت حرکت «چرخ»؛ تأمین توسعه متوازن پنج «میله چرخ» و تشریک مساعی وابسته؛ رابطه دوطرفه جاذب و استهلاک، استهلاک با «ضربه‌گیر»، کنترل و جاذب با «میله چرخ» (اتحادیه اسکان سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲).

شهر شکوفا با برنامه‌ریزی و راه‌حل‌های تکنیکی متنوع، بهبود عملکرد شهر و دستیابی به شکل پایدار شهری را اجرا می‌کند. بعضی از راه‌حل‌ها مطابق ویژگی‌های منطقه، متنوع و تعدادی از مداخلات کلیدی در نواحی مختلف طبق مدل شهرگرایی استاندارد جهانی قرن ۲۰^۱ برای شهر قرن ۲۱ ناپایدار است. در قالب یک پیشنهاد، قدرت سنجش و مداخلات قوانین برنامه‌ریزی در به‌کارگیری ۵ بعد شکوفایی در طول و عمق قلمرو قدرت شهری مؤثر است (کراتک ۲، ۲۰۱۱).



شکل ۱. مدل چرخه شکوفایی شهری

با توجه به مبانی نظری و تحقیقات پیشین فرضیه‌هایی به شرح ذیل ارائه گردید:

۱- بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین ارزش‌ها و باورها و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد.

1 - World standard urbanism model of the 20th Century (GS20C)

2 - Kratke

۳- بین الگوهای انگیزشی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین سبک زندگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد.

۵- بین تحمل ابهام و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این مقاله از لحاظ هدف تحقیق، از نوع کاربردی، از لحاظ دستیابی به هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات روش تحقیق مورد نظر با استفاده از روش تحقیق پیمایشی بود انجام می‌شود. جامعه آماری این پژوهش تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل می‌باشند. روش مورد استفاده برای نمونه‌گیری روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. به این نحو که مناطق حاشیه‌نشین ابتدا در پنج جهت جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تقسیم شد. در مرحله بعد مناطق حاشیه‌نشین در نواحی جغرافیایی شناسایی و از میان آنها چند منطقه به روش تصادفی ساده انتخاب و سپس در هر منطقه چند ناحیه شناسایی شد. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردید. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است؛ پرسشنامه شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین: در این پژوهش منظور از شکوفایی شهر نمره‌ای است، که فرد در پرسشنامه صفایی پور و همکاران (۱۳۹۶) کسب می‌کند و دارای ۵ بعد (بهره‌وری سؤالات ۱ تا ۳، کیفیت زندگی سؤالات ۴ تا ۶، زیرساخت‌ها سؤالات ۷ تا ۹، پایداری محیطی سؤالات ۱۰ تا ۱۲ و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی سؤالات ۱۳ تا ۱۵) است که این پرسشنامه شامل ۱۵ سؤال با طیف لیکرت است.

پرسشنامه مؤلفه‌های فرهنگی: پرسشنامه محقق ساخته مؤلفه‌های فرهنگی که شامل ۱۶ سؤال با طیف لیکرت و دارای ۴ بعد (ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی و تحمل ابهام) است. برای بررسی روایی پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده

گردید و پس از انطباق پرسشنامه با متن اصلی و تغییرات جزئی در برخی عبارات‌ها، ارتباط آنها با عامل مورد اندازه‌گیری در اندازه‌گیری متغیر مربوطه در قالب روش محتوایی نیز مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفت. برای محاسبه پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید و با توزیع ۴۰ پرسشنامه بین جامعه آماری و جمع‌آوری آنها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS پایایی پرسشنامه‌های تحقیق به قرار ذیل به دست آمده که قابل قبول است:

جدول ۱. جدول آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

میزان آلفای کرونباخ	متغیرهای پژوهش
۰/۷۳	مؤلفه‌های فرهنگی
۰/۸۰	ارزش‌ها و باورها
۰/۷۶	الگوهای انگیزشی
۰/۸۳	سبک زندگی
۰/۷۱	تحمل ابهام
۰/۸۶	شکوفایی شهر
۰/۸۳	بهره‌وری
۰/۸۹	کیفیت زندگی
۰/۸۷	زیرساخت‌ها
۰/۸۲	پایداری محیطی
۰/۷۸	درب‌گیرندگی و شمول اجتماعی

این میزان در پرسشنامه توزیع شده برای متغیرهای تحقیق بالای ۷۰ درصد محاسبه شده است که خروجی محاسبه نرم‌افزار SPSS در ضمیمه پیوست است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده نشان از پایایی مناسب پرسشنامه است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. آمار توصیفی، به منظور برآورد فراوانی و محاسبه میانگین و انحراف معیار داده‌ها به کار می‌رود. همچنین در آمار استنباطی، ابتدا از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد، به علت نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون‌های

پارامتریک رگرسیون چندگانه و ساده از طریق نرم‌افزار SPSS 20 برای آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: طبق نتایج ۴۶/۹ درصد پاسخگویان مرد و ۵۳/۱ درصد نیز زن هستند و ۱۳/۵ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر و ۳۷/۰ درصد با بیشترین فراوانی در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال هستند. ۳/۹ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی تحصیلات فوق دیپلم و ۳۳/۳ درصد نیز با بیشترین فراوانی تحصیلات دیپلم هستند و ۲۱/۴ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی مجرد و ۷۷/۱ درصد نیز با متأهل هستند و میانگین مؤلفه‌های فرهنگی ۲/۴۵، ارزش‌ها و باورها ۲/۹۴، الگوهای انگیزشی ۲/۰۳، سبک زندگی ۲/۱۳ و تحمل ابهام ۲/۳۱ است و میانگین شکوفایی شهر ۲/۹۱، بعد بهره‌وری ۲/۰۷، بعد کیفیت زندگی ۲/۵۰، زیرساخت‌ها ۲/۴۹، پایداری محیطی ۲/۵۰ و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی ۲/۹۹ است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی مؤلفه‌های فرهنگی و شاخص‌های آن

آماره	مؤلفه‌های فرهنگی	ارزش‌ها و باورها	الگوهای انگیزشی	سبک زندگی	تحمل ابهام
میانگین	۲/۴۵	۲/۹۴	۲/۰۳	۲/۱۳	۲/۳۱
حداقل نمرات	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
حداکثر نمرات	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰

طبق نتایج جدول فوق میانگین مؤلفه‌های فرهنگی ۲/۴۵، ارزش‌ها و باورها ۲/۹۴، الگوهای انگیزشی ۲/۰۳، سبک زندگی ۲/۱۳ و تحمل ابهام ۲/۳۱ است.

جدول ۳. شاخص‌های مرکزی شکوفایی شهر و شاخص‌های آن

آماره	شکوفایی شهر	بهره‌وری	کیفیت زندگی	زیرساخت‌ها	پایداری محیطی	دربرگیرندگی و شمول اجتماعی

رابطه مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین / ۵۲

۲/۹۹	۲/۵۰	۲/۴۹	۲/۵۰	۲/۰۷	۲/۹۱	میانگین
۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	حداقل نمرات
۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۵/۰۰	حداکثر نمرات

طبق نتایج جدول ۳ میانگین شکوفایی شهر ۲/۹۱، بعد بهره‌وری ۲/۰۷، بعد کیفیت زندگی ۲/۵۰، زیرساخت‌ها ۲/۴۹، پایداری محیطی ۲/۵۰ و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی ۲/۹۹ است.

یافته‌های استنباطی (تحلیل فرضیات)

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

جدول ۴. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

شکوفایی شهر	مؤلفه‌های فرهنگی	آماره
۲/۹۱	۲/۴۵	میانگین
۰/۹۸	۰/۵۲	انحراف معیار
۰/۷۶۷	۰/۶۵۴	مقدار Z کولموگروف-اسمیرنوف
۰/۰۹۴	۰/۱۰	سطح معناداری

طبق نتایج جدول فوق با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۵ بیش از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که توزیع متغیرهای مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر نرمال است و جهت تحلیل فرضیات باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به میانگین و میزان معنی‌داری به‌دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که وضعیت میانگین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر و ابعاد آن شامل (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) کوچک‌تر از حد متوسط قرار دارند و بعدهای فرهنگی و شکوفایی شهر تفاوت معناداری با معیار مقایسه ندارد، همچنین با توجه به میانگین نمونه آماری به ترتیب ۲/۴۵، ۲/۲۷/۹۱، ۲/۵۰، ۲/۴۹ و ۲/۵۰ و میانگین معیار مقایسه ۳ که همان میانگین جامعه آماری ماست، اختلاف میانگین به ترتیب برابر ۰/۵۴-، ۰/۰۸-، ۰/۹۲-، ۰/۴۹-، ۰/۵۰-، ۰/۵۰- و ۰/۰۱- است.

فرضیه اصلی: بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه همبستگی بین مؤلفه‌های فرهنگی و

شکوفایی شهر

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای وضعیت ابعاد شکوفایی شهر

مقدار مقایسه = ۳			انحراف معیار	میانگین	متغیرها
سطح معناداری	درجه آزادی	T			
۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۸/۶۱۴	-۰/۵۴	۰/۵۲	مؤلفه‌های فرهنگی (کلی)
۰/۰۰۰	۳۸۳	-۱/۶۹۳	-۰/۰۸	۰/۹۸	شکوفایی شهر (کلی)
۰/۰۰۰	۳۸۳	-۲۰/۱۱۲	-۰/۹۲	۰/۸۹	بهره‌وری
۰/۰۰۰	۳۸۳	-۱۳/۶۵۳	-۰/۴۹	۰/۶۸	کیفیت زندگی
۰/۰۰۰	۳۸۳	-۸/۲۲۶	-۰/۵۰	۱/۲۰	زیر ساخت‌ها
۰/۰۰۰	۳۸۳	-۱۳/۶۵۳	-۰/۵۰	۰/۶۸	پایداری محیطی
۰/۱۲۰	۳۸۳	-۱۶/۴۱۶	-۰/۰۱	۱/۰۰	در بر گیرندگی و شمول اجتماعی

شکوفایی شهر	آماره‌ها	متغیر
۰/۵۲۳**	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه‌های فرهنگی

۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد نمونه	

طبق نتایج جدول ۶ و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اصلی تأیید می‌شود و بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۵۲ است.

فرضیه‌های فرعی:

جدول ۷. نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه همبستگی بین شاخص‌های مؤلفه

فرهنگی و شکوفایی شهر

شکوفایی شهر	آماره‌ها	متغیر
۰/۷۳۳**	ضریب همبستگی پیرسون	ارزش‌ها و باورها
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد نمونه	
۰/۲۹۱**	ضریب همبستگی پیرسون	الگوهای انگیزشی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد نمونه	
۰/۲۸۶**	ضریب همبستگی پیرسون	سبک زندگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد نمونه	
۰/۴۷۸**	ضریب همبستگی پیرسون	تحمل ابهام
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد نمونه	

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی اول تأیید

می‌شود و بین ارزش‌ها و باورها و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر $0/73$ است.

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان $0/99$ کمتر از $0/01$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی دوم تأیید می‌شود و بین الگوهای انگیزشی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر $0/29$ است.

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان $0/99$ کمتر از $0/01$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی سوم تأیید می‌شود و بین سبک زندگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر $0/28$ است.

طبق نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان $0/99$ کمتر از $0/01$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی چهارم تأیید می‌شود و بین تحمل ابهام و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر $0/47$ است.

جدول ۸. خلاصه مدل رگرسیون ابعاد مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
$0/76$	$0/57$	$0/57$

طبق نتایج جدول فوق ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل برابر $0/76$ است و ضریب تعیین نیز برابر $0/57$ است که $0/57$ ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر وابسته شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل را تعیین می‌کنند و بقیه مربوط به متغیرهای دیگر است.

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون بین ابعاد مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر

Sig	T	ضریب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		مؤلفه‌ها
			انحراف معیار	B	

۰/۰۱۴	۲/۴۷		۰/۱۳۲	۰/۳۲۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۵/۵۴۲	۰/۷۰	۰/۰۴۷	۰/۷۳۲	ارزش‌ها و باورها
۰/۰۰۰	۴/۹۹۷	۰/۳۲	۰/۰۶۴	۰/۳۲۲	الگوهای انگیزشی
۰/۰۰۱	۳/۲۹۹	۰/۲۴	۰/۰۷۳	۰/۲۴۲	سبک زندگی
۰/۰۲۲	۱/۲۲۵	۰/۱۶	۰/۰۶۵	۰/۱۷۹	تحمل ابهام

برای تعیین تأثیر متغیر مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی، تحمل ابهام) به‌عنوان متغیرهای پیشین و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول شماره ۱۱ مشاهده می‌شود میزان p مشاهده شده در این متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد که متغیر ارزش‌ها و باورها با بیشترین میزان تأثیر با بتای ($BETA=0/70$)، الگوهای انگیزشی ($BETA=0/32$)، سبک زندگی ($BETA=0/24$) و تحمل ابهام با کمترین میزان تأثیر با بتای ($BETA=0/16$) متغیر شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اصلی تأیید می‌شود و بین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۵۲ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات صفایی (۱۳۹۶)، رهسپار طلوعی و همکاران (۱۴۰۰)، پیربابایی و همکاران (۱۳۹۶)، هابیتات (۲۰۱۹)، آریماه (۲۰۱۶)، وانگ (۲۰۱۵)، ایگیت جانلارو همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که جامعه‌گرایان جدید نیز پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی می‌دانند. اینان معتقدند که به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و کالبدی، محله‌های حاشیه‌نشین شکل می‌گیرند. از نظر جامعه‌شناسان گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی

طبقاتی است که بسر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند و شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی می‌تواند در توسعه شکوفایی شهر تأثیر مثبت داشته باشد.

طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی اول تأیید می‌شود و بین ارزش‌ها و باورها و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۷۳ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات رهسپار طلوعی و همکاران (۱۴۰۰)، فرهمند و دامن باغ (۱۳۹۶)، صفایی (۱۳۹۶)، هایبیتات (۲۰۱۹)، آریماه (۲۰۱۶) و وانگ (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که محیط اجتماعی خواه یک گروه کوچک باشد یا یک جامعه بزرگ، واحدی یکدست و ثابت نیست و از گروه‌ها و اجزاء آنکه «پاره - گروه» یا «خرده - گروه» و افراد باشد تشکیل شده و دائماً در حال تغییر و تبدیل است. نسل‌ها از پی هم در حرکت هستند. افرادی از میان می‌روند و افرادی زاده می‌شوند و جای رفتگان را می‌گیرد. از این‌رو گروه انسانی برای آنکه بتواند «سازمان» خود را حفظ کند و به زندگی خود ادامه دهد، ناگزیر است که پیوسته افراد جدید را با خود «همساز» گرداند و برای زندگی عملی گروهی و اجتماعی آماده کند. همچنین هر فردی برای زیستن و بهتر زیستن ناچار است که عناصر فرهنگی را بپذیرد و خود را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی «همساز» و «سازگار» گرداند و با آنها «همنوا» شود. به این منظور آموختن ویژگی‌های فرهنگی از پیشینیان ضروری است و ارزش‌ها و باورها می‌تواند در توسعه شکوفایی شهر تأثیر مثبت داشته باشد.

طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی دوم تأیید می‌شود و بین الگوهای انگیزشی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۲۹ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات هایبیتات (۲۰۱۹)، آریماه (۲۰۱۶) و ایگیت جانلارو همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که فرهنگ‌ها دارای عناصر مشترکی در

سطح جهان هستند. به نظر «مرداک»^۱ جوامع مختلف در کارهایی از این قبیل هم‌داستان هستند: ابزارسازی، دادوستد، همکاری، زناشویی، میهمان‌نوازی، پاکیزگی، بهداشت، آشپزی، زمان‌سنجی، ورزش، آرایش، معاشقه، رقص، هنرآفرینی، افسانه‌سازی، جادوگری، بازی، آموزش و پرورش، مراسم گوناگون نام‌گذاری، پاداش دادن و کیفر بخشیدن، نظام‌های خویشاوندی، زبان، اما باید گفت این مشترکات از طرفی بسیار کلی هستند و محتوا و مفهوم آن نزد صاحبان فرهنگ‌های مختلف عیناً یکسان نیستند و از طرف دیگر هرگونه وجه اشتراکی که در فرهنگ جوامع مختلف موجود باشد، زادهٔ مشابهات خود آن جامعه است. چون جامعه‌های انسانی از جهات بسیاری به یکدیگر می‌مانند. ناگزیر در فرهنگ‌های آن هم عناصر مشترکی ظاهر می‌شوند و اهمیت دادن به شاخص‌های الگوهای انگیزشی و بالا بردن آن، می‌تواند باعث رشد و شکوفایی شهر و به‌خصوص حاشیه‌نشینی گردد.

طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی سوم تأیید می‌شود و بین سبک زندگی و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطهٔ مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۲۸ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات رهسپار طلوعی و همکاران (۱۴۰۰)، صفایی (۱۳۹۶)، هایبئات (۲۰۱۹)، آریمه (۲۰۱۶) و ایگیت جانلارو همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که در تبیین فرایندهای مؤثر بر ایجاد حاشیه‌نشینی باید به تغییرات بنیادی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و روابط اجتماعی در جامعهٔ روستایی، شهری و یا ایلاتی و عشایری اشاره کرد که باعث می‌شود مازاد نیروی انسانی به مراکز بزرگ شهری که جایگاه تراکم و تمرکز ثروت جامعه است، سرازیر شود. در این مقطع، شهرها که امکانات کافی برای جذب این نیروی انسانی مازاد را ندارند، آنها را پس زده و به حاشیه یا جایی می‌رانند که حداقل امکانات عرضه می‌شود؛ بنابراین زمانی که مردم فاقد امکانات، از انزوا گریخته و به حاشیه‌نشینی در شهرها روی می‌آورند، در حقیقت نوعی زندگی را انتخاب می‌کنند که فلاکتی دیگر است. تمرکز این مردم در کانون‌هایی با شکل

^۱ - Murdock

فیزیکی خاص که با فرم مسکن متعارف شهری متفاوت است، ایجادکننده منطقه یا مناطق حاشیه‌نشین است. حاشیه‌نشینی تاریخی دیرینه دارد و تقریباً اکثر کشورهای جهان دوره‌هایی از حاشیه‌نشینی را در شهرهای خود تجربه کرده‌اند لیکن، مشکل اصلی در جهان سوم، نهفته است. گستردگی این مسئله در این کشورها، موضوع را به شکل حادثی عرضی می‌کند. مناطق حاشیه‌نشین کشورهای جهان سوم با واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها؛ تسلط فرهنگ فقر؛ جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری؛ شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم‌دوام ساختمانی؛ گوشه‌گیری مردم آن از زندگی شهری؛ مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها قابل توصیف است.

طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فرعی چهارم تأیید می‌شود و بین تحمل ابهام و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰/۴۷ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات علوی و همکاران (۱۳۹۹)، دانش‌پور و همکاران (۱۳۹۷) و هایبئات (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که اختلاف فرهنگی زیاد آنها با دیگر مناطق شهری موجب بروز تنش فرهنگی در شهر می‌شود و همین امر باعث می‌گردد مشارکت اجتماعی در بین ساکنان سکونتگاهی غیررسمی پایین‌تر باشد و چون دارای جمعیت بیشتری‌اند در زمان انتخابات تعیین‌کننده هستند به‌خصوص اگر سیاستمداران زبان آنها را بفهمند می‌توانند آرای آنها را به نفع خود تمام کنند؛ و در مجموع می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی برای شهرهای بزرگ به‌عنوان یک غده سرطانی است که روزبه‌روز بزرگ‌تر شده و کل سیستم شهری را دچار بحران می‌کند؛ بنابراین ضروری است که با تدوین راهکارهای مناسب از ایجاد و گسترش آنها در شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها جلوگیری نمود و برای تعیین تأثیر متغیر مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی، تحمل ابهام) به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در نتایج مشاهده می‌شود

میزان p مشاهده‌شده در این متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد که متغیر ارزش‌ها و باورها با بیشترین میزان تأثیر با بتای ($BETA=0/70$)، الگوهای انگیزشی ($BETA=0/32$)، سبک زندگی ($BETA=0/24$) و تحمل ابهام با کمترین میزان تأثیر با بتای ($BETA=0/16$) متغیر شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل را پیش‌بینی می‌کنند.

طبق نتایج و با توجه به میانگین و میزان معنی‌داری به‌دست آمده که کمتر از $0/05$ است می‌توان گفت که وضعیت میانگین مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر و ابعاد آن شامل (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) کوچک‌تر از حد متوسط قرار دارند و بعد توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات تفاوت معناداری با معیار مقایسه ندارد، همچنین با توجه به میانگین نمونه آماری به ترتیب $2/45$ ، $2/2$ ، $2/50$ ، $2/49$ و $2/50$ و $2/99$ میانگین معیار مقایسه ۳ که همان میانگین جامعه آماری ماست، اختلاف میانگین به ترتیب برابر $0/54$ ، $0/08$ ، $0/92$ ، $0/49$ ، $0/50$ ، $0/50$ و $0/01$ است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات علوی و همکاران (۱۳۹۹)، دانش پور و همکاران (۱۳۹۷)، هایبئات (۲۰۱۹)، وانگ (۲۰۱۵)، ایگیت جانلارو همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این سؤالات می‌توان گفت که وضعیت مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل با توجه به پایین بودن بیشتر شاخص‌های این دو متغیر در وضعیت مناسبی نیست و باید در جهت افزایش شکوفایی شهر به شاخص‌های فرهنگی توجه بیشتر داشت.

طبق نتایجی که از تحلیل فرضیات این تحقیق به‌دست آمد بین مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی، تحمل ابهام) با شکوفایی شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل رابطه مستقیم معناداری وجود دارد و همچنین مؤلفه‌های فرهنگی توان پیش‌بینی تغییرات شکوفایی شهر را دارد و طبق نتایج مؤلفه شکوفایی شهر (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) نیز در وضعیت مناسبی نیست و کمتر از حد متوسط است.

طبق نتایج مؤلفه‌های فرهنگی و شکوفایی شهر و ابعاد آن شامل (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) بر شکوفایی

شهر با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل دارد و وضعیت (بهره‌وری، کیفیت زندگی، زیرساخت‌ها، پایداری محیطی و دربرگیرندگی و شمول اجتماعی) کمتر از حد متوسط است. با توجه به نتایج فرضیات پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. ایجاد نظامی جهت بهره‌مندی حاشیه‌نشینان از شبکه‌های زیر بنایی و خدمات شهری، آموزشی و بهداشتی و غیره.
۲. ساخت و عرضه مسکن ارزان‌قیمت برای اقشار کم‌درآمد.
۳. ایجاد واحدهای مسکونی اجاره‌ای ارزان‌قیمت برای اقشار کم‌درآمد.
۴. ایجاد شهرک‌های اقماری کارگر نشین یا کم‌درآمد نشین در نزدیکی شهرهای بزرگ.
۵. احداث کارگاه‌های کوچک در نزدیکی شهرهای بزرگ برای رفع بیکاری خانوارهای حاشیه‌نشین.
۶. ایجاد فضاهای جمعی جهت برقراری تعاملات اجتماعی در این مناطق و برگزاری همایش‌های فرهنگی و جلب مشارکت ساکنین این مناطق.

منابع

- بوچانی، محمدحسین و قادری، علی. (۱۳۹۷). **شکوفایی شهری**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله؛ حاتمی‌نژاد، حسین و پارسا شاه‌آبادی، شهرام. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم و ویژگی‌های شهر. **مجله باغ نظر**، سال، ۱۵ شماره ۵۸، تهران، صص ۲۶-۵.
- پیربابائی، محمدتقی؛ نژاد ابراهیمی، احد و ابی‌زاده، سامان. (۱۳۹۶). مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه. فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۱-۸۴.
- حاضری، صفیه؛ احدنژاد، محسن؛ مشکینی، ابوالفضل و پیری، عیسی. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). **نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۶۳-۸۰.
- حجتی، نگین؛ ذبیحی؛ حسین و زرآبادی، زهرا سادات سعیده. (۱۴۰۲) بازنمایی نقش صنایع فرهنگی در توسعه شهرهای ایران. **مجله اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۹-۶.

- دانش‌پور، حمیدرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید و بذرگر، محمدرضا. (۱۳۹۷). ارزیابی مناطق یازده‌گانه شهر شیراز به لحاظ شاخص شکوفایی شهری با استفاده از مدل FAHP، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره نهم، شماره، ۳۳، تهران، ۳۲ - ۱۷.
- رهسپار طلوعی، غزاله؛ حبیب، فرح و زرآبادی، زهرا سادات سعیده. (۱۴۰۰). توسعه مدل شکوفایی شهری در محلات تهران با تأکید بر مؤلفه کیفیت زندگی، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره (۹) ۲۳، صص ۶۱-۷۶.
- رهنمایی، محمدتقی؛ فرجی ملائی، امین؛ حاتمی‌نژاد، حسین و عظیمی، آزاده. (۱۳۹۱). تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری در شهر بابلسر، جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای، دوره ۸، شماره ۵، سیستان و بلوچستان، صص ۶-۴۹.
- سیف‌الدینی، فرانک؛ پوراحمد، احمد؛ داریش، رضوان و نادر دهقانی الوار، سید علی. (۱۳۹۳). بسترها و چالش‌های اعمال سیاست رشد، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، هوشمند شهری؛ مورد مطالعه: خرم‌آباد لرستان سال ۶، شماره ۱۹، صص ۵۷-۷۹.
- صفایی‌پور، مسعود؛ ملکی، سعید؛ حاتمی‌نژاد، حسین و مدائلو جویباری، مسعود. (۱۳۹۶)، ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های شکوفایی شهری در کلان‌شهر اهواز، نشریه جغرافیا و پایداری محیط (پژوهشنامه جغرافیایی)، دوره ۷، شماره ۲۲، از صفحه ۳۵ تا صفحه ۴۷.
- علوی، سعیده؛ نظم‌فر، حسین و عشقی چهاربرج، علی. (۱۳۹۹). ارزیابی و سنجش شاخص‌های شکوفایی شهری CPI در کلان‌شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، سال، ۱۰، شماره ۳، صص ۷۷-۹۷.
- فرهمند، مهناز و دامن‌باغ، مرتضی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی و تعلق ملی در بین شهروندان شهر یزد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- فرهی بوزنجانی، برزو. (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی در نیروهای مسلح. پروژه تحقیقاتی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- کاظمی، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی‌العالمیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. صص ۱۶۳-۱.
- محمدی، یاسر و رحیمیان، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های حاشیه‌نشین در شهرستان کوه‌دشت، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۵۵، صفحه ۸۵.

- نقدی، اسدالله؛ صادقی، رسول. (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالش فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۹، صص ۱۹-۳۲.
- نیک‌پور، عامر؛ مرادی، الهه و یاراحمدی، منصوره. (۱۳۹۹). مدل‌سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری (مورد مطالعه: نورآباد ممسنی)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۱۲ (۴۳)، صص ۷-۲۶.
- Arimah, B. (2016). Infrastructure as a Catalyst for the Prosperity of African Cities, *Procedia Engineering*, 198, Pp 245-266.
- Dubovyk, O., Sliuzas, R. & Flacke, J. (2011). Spatio-temporal modelling of informal settlement development in Sancaktepe district, Istanbul, Turkey. *ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing*. 66(2): 235-246
- Habitat, U. N. (2019). *State of the world's cities: Prosperity of cities*. Routledge.
- Jones, S., Tefe, M., & Appiah - Opoku, S. (2015): Incorporating stakeholder input into transport project selection—A step towards urban prosperity in developing countries?. *Habitat international*, 45, 20-28.
- Khalifa, M. (2015). Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development, *Ain Shams Engineering Journal*, Volume 6, Issue 4, December 2015, Pages 1151-1159
- Kratke, S. (2011) *The Creative Capital of Cities: Interactive Knowledge Creation and the Urbanization Economies of Innovation*, Informationen Zur Umweltpolitik, Wiley –Blackwell, Chichester, 149, pp. 5-10.
- Landry, C. (2006). *The Art of city-Making*. London: Earthscan.
- Lee y. Peng C. Lee T. Zhao Z. (2022). Sustainable Development Assessment of Cultural and Creative Industries in Casino Cities: A Case Study of Macao. *Sustainable*. 14(4797): 1-27.
- Pourzakarya M. Fadaei Nezhad Bahramjerdi S. (2023). Reviewing the role of cultural and creative industries in developing an urban cultural policy platform in Rasht city, Iran. *Journal of Place Management and Development*. 16(2): 145-162.
- Seng, J. (2004). *Cultural Intelligence and the Global Economy*. Nuremberg: LIA, Vol24, numbers.
- Varbanova, L. (2007). *Our creative cities online*. In. B. Europe: The creative city: Crossing visions and new Realities in the Region. UNESCO press.
- Wang, X., Woolley, H, Tang. Y, Liu, H., Luoa, Y. (2018). Young children's and adults' perceptions of natural play spaces: A case study of Chengdu, southwestern China, *Cities*, 72:173–180.
- Yigitcanlar, T., Dur, F., Dizdaroglu, D. (2015). Towards Prosperous sustainable cities: A multiscale urban sustainability assessment approach, *Habitat International*, Vol 45, Pp 36 -46.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

